

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی دو اشکال دیگر مرحوم صاحب منتقی

بحث در بیان تحقیقی بود که صاحب منتقی الاصول فرموده بودند. مقداری از بیان ایشان را با اشکالاتش عرض کردیم. ایشان فرمودند میان این طوائف روایات، عمده طائفه‌ای است که دلالت بر ارجاع به ثقات معین یا ثقات می‌دهد. این را توضیح دادیم، و اشکال مهمی که ایشان داشتند را نیز جواب دادیم. دو اشکال دیگر وجود دارد که ایشان بیان فرمودند. **اشکال دوم:** یکی این است که اگر بخواهیم به این طائفه روایات برای حجیت خبر واحد استدلال کنیم، حجیت خبر واحد در موضوعات خارجی لازم می‌آید؛ در حالی که مشهور قائل هستند خبر واحد در موضوعات خارجی حجیت ندارد. این بحث، يك بحث معروفی است که آیا ادله‌ی حجیت خبر واحد، خبر واحد در موضوعات را نیز حجّت می‌کند؟ اگر نفر گفت «**هذا دم؛ یا هذا عادل**»، بگوئیم این کافی است. اگر این کافی باشد، لازم می‌آید که بیّنه به طور کل لغو شود؛ بیّنه یعنی شهادت دو نفر در موضوعات خارجی لازم است؛ اگر گفتیم خبر واحد در موضوعات خارجی حجیت دارد، لازمه‌اش لغو بیّنه است؛ برای اینکه لغو بیّنه لازم نیاید، مشهور قائل هستند که خبر واحد در موضوعات خارجی حجیت ندارد. آنوقت ایشان می‌فرمایند: در اینجا، وقتی که به این طائفه روایات که امام (ع) می‌فرماید «**هذا ثقة، یونس بن عبدالرحمن ثقة، العمري وابنه ثقتان**» بخواهیم استدلال کنیم، معنایش این است که بگوئیم خبر واحد در موضوعات خارجی حجّت است. البته تعبیری که در کتاب تقریرات ایشان هست، مقداری اضطراب دارد؛ و اشکال ایشان را درست روشن نکردند. يك تعبیر این است که این طائفه اخبار از خبر است؛ و اخبار از خبر خودش خبر از موضوع است.

من اگر گفتم وقتی زید به شما خبر داد به قول او عمل کنید، من دارم اخبار می‌کنم به خبر زید؛ و إخبار عن الخبر عنوان موضوع را دارد و عنوان حکم ندارد. بین این که بگوئید **هذا دم** یا بیابید خبر دهید از خبر دیگری، فرقی نیست. این اخبار، اخبار از موضوع است؛ نه اخبار از حکم. اگر مراد همین باشد - که تعبیر کتاب تقریرات ایشان بیشتر ظهور در همین معنا دارد - که اخبار از خبر، اخبار از موضوع است، اخبار از موضوع حجیت ندارد؛ خبر واحد در موضوعات اعتبار ندارد. **پاسخ این بیان** آن است که امام (ع) فقط نمی‌خواهد بگوید زرار به شما خبر می‌دهد؛ ما از بیان امام که توثیق زرار می‌کند، و به قول خودشان توثیق امام (ع) برای ما اطمینان می‌آورد آنچه زرار می‌گوید دروغ نیست؛ اما ما می‌گوییم این به دلالت التزامی است؛ اگر زرار از يك حکمی خبر داد، باید حجیت داشته باشد. اگر امام (ع) زرار را توثیق کند، اما خبر زرار در احکام شرعی برای ما معتبر نباشد، این توثیق چه فایده و ارزشی دارد؛ اشکال ما این است که ما نمی‌گوییم امام (ع) دارد اخبار می‌کند از خبر زرار، تا بفرمایید این می‌شود خبر واحد در موضوعات؛ بلکه می‌خواهیم بگوئیم وقتی امام (ع) افرادی را توثیق کردند، لازمه این توثیق آن است که اگر اینها خبر واحدی را در باب احکام بیان کردند، اینجا هرچند که این خبر واحد، ظنی است، اما برای ما قابل استدلال و عمل است.

اشكال سوّم: فرموده‌اند: ما اگر به این طائفه از روایات بخواهیم استدلال کنیم، لازم می‌آید که فقط خبر بلاواسطه حجت باشد؛ چون امام(ع) می‌فرماید **عليك بهذا الجالس**؛ زراره بدون واسطه از امام(ع) حدیث را برای شاگرد خودش محمد بن مسلم نقل می‌کند؛ ابوصیر بلا واسطه نقل می‌کند. پس حجیت خبر واحد بلا واسطه لازم می‌آید؛ در حالی که روایات موجود در دست ما همگی با وسایط زیادی از امام معصوم(ع) به دست ما رسیده است؛ و این طایفه از روایات اینها را حجت نمی‌کند. ما هم دنبال این هستیم که يك دليل بر حجیت اخباری که امروز در دستان ماست پیدا کنیم. **جواب اشكال سوّم:** اینجا چند جواب وجود دارد. **جواب اول** این است که اگر هم بر حجیت خبر بلا واسطه دلالت داشته باشد، همین مقدار برای مدّعی ما کافی است. مدّعا اصل حجیت خبر واحد است؛ آیا در شریعت ما خبر واحد في الجملة حجت است؛ به عبارت دیگر، چه کسی گفته است که ما می‌خواهیم حجیت خبر واحد را برای خصوص اخباری که امروز در دست ما هست، اثبات کنیم؛ طرف نزاع ما به زمان مرحوم سید مرتضی و يك مقداری هم قبل از سید مرتضی می‌رسد؛ سید مرتضی ادعا می‌کند خبر واحد حجیت ندارد؛ ما در مقابل او می‌گوییم: این طایفه روایات دلالت بر اصل حجیت خبر واحد آنها في الجملة دارد. این اولاً. که اشكال مهم به نظر همین است. **جواب دوم** این است که همیشه این طور نیست که خود این بزرگواران روایات را بلا واسطه نقل کنند؛ گاه زراره از شیخ خودش و او هم از یک شیخ دیگری از امام سجاد(ع) روایتی را نقل می‌کند. اینجا را چه می‌گویید؟ **عليك بهذا الجالس**، همه اینها را شامل می‌شود.

بیان نظر برگزیده و تحقیق در مطلب

اما تحقیق در مطلب چیست؟ به نظرم بهترین بیانی را که می‌شود در اینجا ذکر کرد، بیانی است که والد راحل ما(رض) دارند. اگر بخواهیم انظار را جمع‌بندی کنیم؛ باید بگوییم: مرحوم آخوند فرمود این روایات تواتر اجمالی دارند؛ روایتی که سند آن مطابق با اخص مضموناً باشد و بگوید خبر ثقة به طور مطلق حجت است - چه عادل باشد و چه غیر عادل؛ چه امامی باشد و چه غیر امامی - را اخذ می‌کنیم؛ و استدلال به این روایات طبق این نظر تمام است. مرحوم نائینی نیز همین را گفتند و مرحوم آقای خویی ایشان نیز بیشتر موافقت کردند و تواتر اجمالی را پذیرفتند. امام مرحوم امام(رض) هیچ کدام از حرف‌های مرحوم آخوند را نپذیرفت؛ نه تواتر اجمالی را و نه اخص مضموناً در کلام ایشان را. گفتند تواتر اشكال دارد، برای این که در تواتر باید در هر طبقه‌ای عدد تواتر محقق باشد. در مورد اخص مضموناً هم گفتند که فقط ثقة‌ای عادل امامی نیست، بلکه دو خصوصیت فقیه بودن و بدون واسطه بودن را نیز اضافه فرمودند. با این حال، در کلام والد ما خصوصیت دیگری هم بود و آن، کثرت الروایه بود.

که آیا از تعبیر **إنه سمع من أبي** که امام صادق(ع) راجع به محمد بن مسلم فرمود، کثرت الروایه استفاده می‌شود یا نه؟ این يك استظهار عرفی است. لیکن انسان همه اینها را که توجه می‌کند، بالاخره سؤال این است که آیا از این طوائف متعدده روایات، می‌توانیم برای حجیت خبر واحد استفاده کنیم یا نه؟ بعضی از اصولیین مثل مرحوم امام دلالت آیات بر حجیت خبر واحد را نپذیرفتند؛ ایشان دلالت این روایات را هم نپذیرفتند؛ مرحوم صاحب منتقى الاصول هم همینطور است. مرحوم نائینی دلالت آیه‌ی نبأ و نفر را پذیرفتند؛ و مرحوم آقای خویی نیز به تبعیت ایشان دلالت این دو آیه را پذیرفته‌اند. ظاهر کلام مرحوم نائینی در کتاب فوائد الاصول این است که ایشان در آنجا دلالت روایات را پذیرفته است؛ مرحوم آقای خویی نیز در مصباح الاصول دلالت روایات را پذیرفته‌اند. ما در آیات، دلالت آیه‌ی نبأ را نپذیرفتیم؛ اما دلالت آیه‌ی نفر را پذیرفتیم. اما راجع به روایات چه؟ عرض کردم در اینجا، انصاف این است که بهترین بیان را، والد راحل ما دارند. ایشان می‌فرمایند: مجموعاً از روایات استفاده می‌کنیم که خبر واحد في الجملة حجت است؛ ما نمی‌خواهیم بگوییم از این روایات استفاده می‌کنیم خبر واحد ثقة یا خبر واحد عادل یا خبر واحد امامی حجت است؛ بلکه می‌گوییم خبر واحد ظنی حجت است. اما این که راوی این خبر واحد ظنی باید عادل باشد، امامی باشد، ثقة باشد، اینها را الآن نمی‌توانیم بگوییم؛ چون اگر بخواهیم سراغ این نکات برویم، باید سراغ اخص المضامین برویم.

اما ما اصلاً کاري به اخص المضامين هم نداريم. مي‌گويم اين طوائف روايات، دلالت بر حجيت خبر واحد ظني دارد؛ که اگر دلالت نداشت، اين همه ترغيب و توصيه ائمه(ع) به اخذ احکام از ثقات، به رجوع به روات، يا روايتي که مي‌گويد **انظر إلى رجل منّا نظر في حلالنا وحرامنا** که دلالت دارد خبر واحد ظني حجيت دارد، ديگر معنا نداشت. ما اين مقدار را استفاده مي‌کنيم؛ و همين مقدار براي ما در مقابل مخالفين حجيت خبر واحد مثل سيد مرتضي کافي است. وانصافاً اين مقدار - حجيت في الجملة خبر واحد - از اين روايات به دست مي‌آيد. اما باز هم عرض مي‌کنم، مهمّ اين است که آقاياں خودشان به نتيجه برسند؛ مباحث را مورد دقت قرار دهيد، ببينيد که به چه نتيجه‌اي ختم مي‌شود؛ و اين بحث خبر واحد از مهمترين مباحث علم اصول است. دليل سوم بر حجيت خبر واحد را عرض مي‌کنم، پيش مطالعه فرماييد. دليل سوم براي حجيت خبر واحد اجماع است که چندين بيان و تقرير براي آن ذکر شده است؛ که ان شاء الله فردا عرض خواهيم کرد . **وصلّي الله علي سیدنا محمد و آله الطاهرين**.